

نقد و بررسی الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت مبتنی بر رویکرد تمدنی^۱

مسعود مطهری نسب^۲
محمد پید هندی^۳

چکیده

هر کشوری برای گذار از وضعیت و مشکلات موجود و حرکت به سمت وضعیت مطلوب در آینده نیازمند یک کلان الگو برای پیشرفت خود است. از این رو در جمهوری اسلامی ایران طراحی و تصویب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دارای اهمیت راهبردی است. افق پیشرفت در الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، تمدن نوین اسلامی مد نظر قرار گرفته است اما الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت بر اساس رویکرد تمدنی طراحی و تدوین نشده است. به عبارت دیگر نقش و تأثیر تمدن نوین اسلامی به عنوان افق پیشرفت در طراحی اصول و تدابیر الگو دیده نشده است. بر همین اساس، هدف از این مقاله نقد و بررسی الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت مبتنی بر رویکرد تمدنی با استفاده از روش تحلیل انتقادی است. ارائه شاخص ها و چارچوب مفهومی مبتنی بر رویکرد تمدنی، در جهت طراحی نهایی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از جمله نتایج این پژوهش است.

واژگان کلیدی: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، رویکرد تمدنی، نقد، تمدن نوین اسلامی

۱. این مقاله مستخرج از رساله پسادکتری انجام شده در دانشگاه اصفهان است.

۲. مدرس گروه معارف اسلامی و پژوهشگر پست دکتری دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)
masoudmotaharinasab@gmail.com

۳. دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه اصفهان m.bid@ltr.ui.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

در طول تاریخ، تمدن‌های بزرگ بر اساس ارزش‌های الهی، اصول معرفتی و عقلانی و همچنین به وسیله ابزارهای متنوع زندگی در وضعیتی امن تحت حمایت حکومت‌های قدرتمند شکل گرفته و تداوم یافته‌اند. «در پشت تمدن‌های بزرگ تاریخی یک دین [یا آیین مذهبی] نهفته است؛ مکتبی که نتواند فرهنگ‌ساز باشد، نمی‌تواند فرهنگ را به تمدن تبدیل کند و کالبد عینی و فیزیکی به آن بدهد. فرهنگ اسلامی در دوره‌های مختلف تبدیل به تمدن شده است.» (نجفی علمی، ۱۳۸۳: ۳۷) در عصر حاضر «فرهنگ» و «تمدن» از مهم‌ترین عواملی است که به ملت‌ها هویت می‌بخشد، بر همین اساس، اکثر کشورها حفظ و بازسازی میراث فرهنگی و تمدنی خود را در اولویت راهبردهای ملی خود قرار داده‌اند. الگوی پیشرفت، نسخه‌ای هویتی می‌باشد که مؤلفه‌های هویتی آن، از نوع هویت حاکم بر یک تمدن تبعیت می‌کند. (امرائی، ۱۳۸۸: ۴۲)

جمهوری اسلامی ایران نیز بیش از یک دهه است که در مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به کمک اندیشمندان حوزه و دانشگاه و پژوهشگاه‌های تخصصی در حوزه‌های مختلف، الگوی پایه اسلامی - ایرانی پیشرفت را طراحی و تدوین نموده و به جامعه علمی کشور ارائه نموده است. با توجه به اینکه در خط اول سند الگو پایه اسلامی ایرانی پیشرفت چنین آمده است: «الگوی پایه، چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و معرف سیر کلی تحولات مطلوب ایران در عرصه فکر، علم، معنویت و زندگی بسوی تمدن نوین اسلامی ایرانی در نیم‌قرن آینده است.» جمهوری اسلامی ایران برای گذار از وضعیت و مشکلات موجود و حرکت در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی نیازمند یک کلان‌الگو و راهبرد مناسب است. بر همین اساس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در این راستا از اهمیت راهبردی برخوردار است.

اهمیت تدوین و اجرایی شدن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به معنای آن است که اگر اهداف این الگو در طی یک فرآیند زمانی مشخص تحقق پیدا کند. کشور در زمینه سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی، کشاورزی، زیست محیطی، پزشکی و... پیشرفت نموده و زمینه ساز ظهور تمدن نوین اسلامی خواهد شد.

اما علی‌رغم اینکه تمدن نوین اسلامی به عنوان به افق پیشرفت کشور در الگوی پایه اسلامی - ایرانی پیشرفت مد نظر قرار گرفته، به نظر می‌رسد این الگو با رویکرد تمدنی طراحی و تدوین نشده و اکثر مؤلفه‌های مطرح شده در الگو خصوصاً در بخش تدابیر مبتنی بر برنامه‌ریزی

توسعه به سبک الگوهای غربی تدوین شده است. بر همین اساس، در این مقاله تلاش شده است؛ مبتنی بر رویکرد تمدنی به نقد و بررسی الگوی پایه اسلامی- ایرانی پیشرفت پرداخته شود و چهارچوبی برای چگونگی بازنویسی و طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بر اساس رویکرد تمدنی پیشنهاد گردد.

۱. اهداف و سؤالات پژوهش

به کارگیری رویکرد تمدنی در نقد و بررسی الگوی پایه اسلامی- ایرانی پیشرفت و همچنین بازنویسی و تکمیل الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت و ارائه چارچوبی برای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بر اساس رویکرد تمدنی هدف اصلی این پژوهش است. پرسش کلی و اصلی این پژوهش این است که: رویکرد تمدنی چیست و بر اساس آن چه چهارچوب مفهومی برای نقد و بازنویسی اصول و تدابیر الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت می توان ارائه نمود؟

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه نقد و بررسی الگو از سوی محققان پژوهش‌های متعددی انجام شده است که در ادامه به دو نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود:

مختاریان پور (۱۳۹۵) در مقاله «مدل فرایندی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» حول مدل فرآیندی به طراحی مراحل تحقق الگو پرداخته است. این در حالی است که در رویکرد تمدنی شاخص فرآیندی تنها یکی از هفت شاخص اساسی در بازنویسی الگو است که باید به آن توجه شود. بر همین اساس برجسته نمودن این شاخص و به حاشیه بردن و غفلت از سایر شاخص‌ها موجب تقلیل‌گرایی در طراحی دقیق الگو خواهد شد. لذا در این پژوهش با اتخاذ رویکرد کلان‌نگر تمدنی تمامی شاخص‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

معرفی محمدی (۱۳۹۶) در مقاله «نقدی روش‌شناختی به الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت» با یک تقسیم‌بندی سه‌گانه محدود تحت عنوان «سیاست، فرهنگ و اقتصاد» و مقایسه آن‌ها با

یکدیگر پاشنه آشیل^۱ جمهوری اسلامی را تنها در پیشرفت اقتصادی و توسعه نیافتگی در این حوزه قلمداد نموده که مبتنی بر پارادایم توسعه محور است. وی علی رغم تلاش برای نقد روش شناختی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مباحث حوزه هستی شناسی و معرفت شناسی را با حوزه روش شناسی خلط کرده است، لذا کل مقاله از این تداخل مفهومی متأثر شده است. از سوی دیگر همانطور که توضیح داده شد، منتقدان پسا توسعه چنین دیدگاه تک بعدی را نمی پذیرند. این نکته قابل ذکر است که از جمله دلایل سرعت کم پیشرفت در جمهوری اسلامی ایران نه صرفاً مسائل مربوط به حوزه اقتصاد بلکه مسائل مربوط به فرهنگ اقتصادی، اقتصاد سیاسی و... نیز از اهمیت بالایی برخوردار هستند.

قیصری، ذاکر اصفهانی و جلال زاده (۱۴۰۱) در مقاله «ناپایداری توسعه در جمهوری اسلامی ایران: اجماع نخبگان، فرآیندهای مشارکتی، تمرکز زدایی» معتقدند؛ ناپایداری فرآیند پیشرفت و توسعه از معضلات مزمن توسعه در ایران است و تلاش دارند چرایی این ناپایداری ها را مورد بحث و بررسی قرار دهند. فقدان اجماع نخبگان راهبردی در سطح ایده، الگو و نحوه اقدام و تداوم برنامه های توسعه، ضعف در فرآیندهای مشارکتی و تمرکز گرایی، از جمله عوامل ناپایداری توسعه در ایران و در دوره جمهوری اسلامی است. این مقاله عنصر اصلی و محوری در توسعه نیافتگی ایران را در عدم اجماع نخبگانی، عدم تمرکز زدایی، عدم کثرت گرایی و به طور کلی عدم توسعه یافتگی سیاسی می داند. این نگرش نیز جامع نگر نیست و تنها از دریچه سیاست به مبحث توسعه می پردازد ضمن اینکه مبنای تحلیل آن نظریه های غربی توسعه است. یکی از مهمترین وجوه تمایز این پژوهش نسبت به پژوهش های پیشین اتخاذ رویکرد تمدنی به عنوان یک رویکرد چند جانبه نگر و راهبردی نسبت به طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است.

۳. ملاحظات مفهومی و نظری پژوهش

نظریه های متعددی در خصوص الگوهای توسعه و پیشرفت بیان شده که در راستای تبیین و بررسی توسعه نیافتگی و عقب ماندگی و همچنین در جهت ارائه راهکارهایی برای برون رفت

1. Achilles' heel

از آن، تبیین شرایط تحول به سمت توسعه یافتگی ارائه شده‌اند. تودارو در تعریف توسعه معتقد است؛ «توسعه را باید جریانی چندبعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق می‌یابد» (تودارو، ۱۳۶۶: ۱۳۵). مدافعان الگوهای توسعه معتقدند نسخه‌ای واحد برای پیشرفت تمامی کشورها وجود دارد و این الگوها جهان‌شمول هستند. اما از سوی دیگر، نظریه‌پردازان پسا توسعه تأکید می‌کنند که فرآیند تحقق توسعه در جنبه مردمی و فرهنگی آن است و به کثرت‌گرایی در فرآیندها، مدل‌ها و روش‌های متنوع توسعه توجه دارند. این مکتب بر اساس حذف بخش‌هایی از گفتمان توسعه از جمله، مدرنیته، مرکزیت سیاست، تأثیرات فرهنگی و اقتصادی غرب، اقتصاد بازاری و جوامع اقتدارگرا و استبدادی، تغییرات راهبردی را برای توسعه پیشنهاد می‌کند. (Simon 2005: 327) اسکوبار معتقد است: «مکتب پسا توسعه علاقه مند به جستجو برای راه‌های جایگزین برای توسعه بر اساس فرهنگ و دانش محلی است و موضعی انتقادی نسبت به ثبات و جهان‌شمولی گفتمان‌های عملی توسعه دارد و از ایده محلی‌گرایی دفاع نموده و آن را ترویج می‌کند. علاوه بر این از جنبش‌های مردمی کثرت‌گرا نیز حمایت می‌کند. تفکر پسا توسعه با الهام و وام‌گیری از جوامع بومی، سبک زندگی را باصرفه نموده و نسبت به شیوه زندگی و تفکر مادی گرایانه گفتمان توسعه رویکردی انتقادی دارد.» (Escobar: 1995: 102-108)

معتقدین به رویکردهای توسعه محور مدعی جهان‌شمولی الگوهای پیشرفت برای کشورهای مختلف بوده و تفاوت‌های زیست محیطی، فرهنگی و دینی را مدنظر قرار نمی‌دهند. الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت به طور کلی و خصوصاً در بخش تدابیر مشابه الگوهای توسعه در پارادایم مدرن طراحی و تدوین شده است. این در حالی است که الگوی نظری پساتوسعه از منظر بومی‌نگری الگوی مناسب‌تری برای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است، چرا که مکتب پساتوسعه در نقد الگوهای توسعه به بومی‌گرایی و فرهنگ‌گرایی تأکید کرده است. بر این اساس رویکرد تمدنی از منظر بومی‌نگری به نظریه‌های پسا توسعه نزدیک‌تر است، با این تفاوت که رویکرد

تمدنی با قرائت اسلامی علاوه بر ملاحظات فرهنگی و بومی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی است. در راستای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به دلیل اختصاص آن به جغرافیای ایران می‌بایست زیست بوم کشور و ملاحظات فرهنگی و جغرافیایی مد نظر قرار گیرد و از سوی دیگر به دلیل ماهیت اسلامی آن باید در بر اساس دین مبین اسلام باشد. بر همین اساس با توجه به اینکه افق الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت تمدن نوین اسلامی در نظر گرفته شده است، اتخاذ رویکرد تمدنی در طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت امری ضروری بوده و نتایج متفاوتی را نیز به دنبال خواهد داشت که در ادامه تشریح می‌گردد.

۱-۳. تبیین شاخص‌های رویکرد تمدنی

اتخاذ رویکرد تمدنی موجب می‌شود تا با نگرشی تعاملی و منعطف از یک سواز الگوهای توسعه از جمله الگوهای توسعه غربی و شرقی به صورت گزینش شده در چهار چوب اسلام استفاده گردد و از سوی دیگر رویکردهای نوین پیشرفت مد نظر نظریه پردازان اسلامی در فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی به عنوان افق الگوی پیشرفت مورد استفاده قرار گیرد. رویکرد تمدنی دارای عناصری به هم پیوسته‌ای است که در ادامه مورد تبیین قرار خواهد گرفت.

۱-۱-۳. کلان‌نگری^۱

کلان‌نگری به معنای شیوه نگرستن در برابر جزئی‌نگری و نگرشی وحدت بخش است. سطح محلی و حتی ملی پاسخ‌گوی شکل‌گیری یک تمدن نیست بلکه نیازمند سطح قاره‌ای و جهانی است. در فرآیند تمدن‌سازی همه اقوام، فرهنگ‌ها، ادیان و مذاهب نقش دارند.

۲-۱-۳. شاخص جامع‌نگری^۲

جامع‌نگری در سطح تحلیل تمدنی به معنای چند وجهی‌نگری و و نگرش ترکیبی است. جامع‌نگری در رویکرد تمدنی موجب می‌شود تا نگرش‌های تحویل‌گرایانه، تقلیل‌گرایانه و به عبارت دیگر تک‌بعدی‌نگر و بخشی‌نگر در تحلیل تمدنی وارد نشود. در جامع‌نگری همه

-
1. Macro view
 2. holistic view

ابعاد مورد نیاز جامعه و چگونگی ارتباط بین آن‌ها در سه سطح مادی، معنایی و معنوی از منظر هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی بررسی می‌گردد.

۳-۱-۳. شاخص میان‌رشته‌ای^۱

میان‌رشته‌ای بودن رویکرد تمدنی به این معنا است که یک رشته خاص توانمندی لازم برای تحلیل موضوع پیچیده تمدن را ندارد. مطالعات تمدنی یک حوزه ترکیبی در حوزه علوم انسانی، اجتماعی، علوم صنعتی و تجربی است. نگرش فعلی حاکم بر نظام علمی در دانشگاه‌ها یک نگرش تک‌رشته‌ای و بر مبنای موج تخصص‌گرایی ناشی از مدرنیته شکل گرفته است و اغلب پژوهش‌هایی که انجام می‌پذیرد دارای رویکردی بخشی‌نگر، تحویل‌گرایانه هستند.

۳-۱-۴. شاخص تکامل‌گرایی^۲

تکامل‌گرایی بودن به معنای فرازمانی بودن و تحول‌تدریجی است. تأکید بر ارتباط هماهنگ بین میراث تمدنی گذشته و امکانات زمان فعلی و ظرفیت‌های آینده است. به عبارت دیگر، نه متوقف در گذشته و متکی بر میراث و تجارب گذشتگان می‌شود و نه تنها به مهندسی کردن تمدن اسلامی در آینده و ساخت یک تمدن جدید منهای میراث تمدن اسلامی مبادرت می‌ورزد. بلکه به یک روند تکاملی از گذشته به حال و آینده تأکید می‌ورزد و به احیاء و ایجاد تمدن اسلامی هم‌زمان توجه می‌کند. لذا علاوه بر آسیب‌شناسی سنت تمدن اسلامی، با توجه به میراث تمدنی گذشته و ظرفیت‌های فعلی جامعه اسلامی به ارائه الگوهای میان‌مدت در راستای تحول در وضعیت موجود مبادرت نموده و از سوی دیگر بر ارائه راهبردهای بلندمدت پیشرفت در آینده تأکید می‌ورزد.

۳-۱-۵. شاخص فراملی^۳

تمدن‌ها در تملک یک نژاد و خون خاص و تسلط آن بر انسان‌ها نیستند، بلکه در یک حالت

1. Interdisciplinary
2. Evolutionary
3. Transnational

در هم تنیدگی قومیتی و با یک مشارکت جمعی توسط اقوام و قومیت‌های مختلف شکل می‌گیرند.^۱ هر فرهنگ و جامعه‌ای دارای نوعی از عقلانیت و واجد نوعی از آداب و رسوم بومی است. اگر عقلانیت ارتباطی و مشارکتی حاکم بر مناسبات بین فرهنگی حاکم باشد هر جامعه‌ای در راستای تأمین نیازهای خود به فرآورده‌ها و داشته‌های سایر فرهنگ‌ها رجوع کرده و از آن بهره‌مند می‌شود و متقابلاً، تولیدات و برون‌دادهای خود را نیز در معرض دید و استفاده سایر ملل قرار خواهد داد. تمدن در یک جغرافیای محصور ایجاد نشده و محدود به یک قوم خاص نیست.

۶-۱-۳. شاخص تعامل مؤثر^۲

بر اساس رویکرد تمدنی مناسبات تعاملی و تقابلی میان تمدن‌ها مشخص می‌شود. تساهل فرهنگی یکی از مختصات پویایی تمدن‌ها است. اما در صورتی که تساهل نامحدود صورت گیرد، جامعه دچار وانهادگی شده و در قبال فرهنگ و تمدن‌های دیگر منفعل می‌شود و ماهیت و جوهره خود را از دست می‌دهد. لذا تساهل، تسامح، تحمل و مدارا تنها در قبال تعامل مؤثر و در عین حفظ جوهره اصلی هر تمدن انجام می‌پذیرد. برای نمونه میزان و چگونگی تعامل‌ها و تقابل‌های تمدن اسلامی با تمدن غربی و شرقی تبیین می‌شود. هنگامی که افراد و اقوام اختلافات فکری خود را در حیطه‌های مختلف بپذیرند و برای ایجاد فضایی آزاد و محترمانه بدون نیاز به خشونت و روش‌های غیر اخلاقی، تلاش نمایند و همچنین به نقد و بررسی روشمند افکار یکدیگر برای تبیین دقیق‌تر پدیده‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی پردازند، دارای روحیه‌ای تساهل‌آمیز هستند. (نیکوبخت، ۱۳۸۳: ۲۱۸)

۷-۱-۳. شاخص فرآیند محوری^۳

مفهوم رویکرد فرآیند محور معمولاً در مقابل مفهوم وظیفه‌گرایی مطرح می‌شود. بر اساس

۱. همچنین رویکرد تمدنی بر همزیستی مسالمت‌آمیز مذاهب و ادیان با یکدیگر تمرکز دارد. اما در نهایت در هر تمدنی یک دین، مذهب، مکتب فکری و یا یک مسلک اخلاقی محور قرار می‌گیرد و تمدن بر محور آن شکل می‌گیرد.

2. Interactivity

رویکرد وظیفه محور^۱، یک ساختار (سیاسی، اقتصادی، تجاری و...) متشکل از بخش‌ها و دپارتمان‌های مختلف و دارای سلسله مراتب، با تأکید بر نقش‌ها و وظایف به صورت مجزا است.

در مقابل، در رویکرد فرآیندی، ساختاری از عناصر به هم وابسته و متعامل در نظر گرفته می‌شود که باعث می‌شود تا تمام فعالیت‌های سیستم بر روی کسب نتایج مورد نظر و محصول نهایی تمرکز کند. در رویکرد فرآیندی هر بخش سازمان برای فعالیت به خدمات و محصولات سایر بخش‌ها نیاز دارد و به جای تعالی افراد، تأکید بر تعالی فرآیندها و تعامل بینا بخشی است که منجر به فرآورده نهایی می‌شوند.^۲

۸-۱-۳. شاخص گفتمان محوری^۳

گفتمان را مجموعه‌ای معنی‌دار از علائم و نشانه‌های زبان‌شناختی و فرازبان‌شناختی تعریف می‌کنند. گفتمان صرفاً ترکیبی از گفتار و نوشتار نیست، بلکه این دو خود اجزای درونی کلیت گفتمان فرض می‌شوند و گفتمان هم در برگیرنده بعد مادی و هم مزین به بعد نظری است. (تاجیک ۱۳۸۳: ۲۱) یکی از مختصات اصلی رویکرد تمدنی گفتمان‌سازی است. گفتمان‌سازی در پی تغییر نگرش و رفتار است. گفتمان‌سازی فرآیندی تدریجی، برنامه‌ریزی شده و هدفمند است. گفتمان‌سازی، مشارکت تمامی اندیشمندان، رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی و هنرمندان را می‌طلبد. در فرآیند گفتمان‌سازی نیازها و آسیب‌های جامعه در وضعیت حاضر و آینده، رصد شده و مردم و مسئولین مورد آگاه‌سازی قرار خواهند گرفت. به عبارت دیگر، رویکرد تمدنی علاوه بر آنکه به تبیین نظری پیشرفت جامعه می‌پردازد، به اقناع‌سازی در متن جامعه سطح نخبگانی و مردمی به وسیله گفتمان‌سازی نیز مبادرت می‌ورزد.

1. functional

۲. عناصر اصلی رویکرد فرآیندی به شرح زیر است: ورودی، خروجی، منابع، صاحب فرآیند، پردازش مشتریان و تأمین کنندگان و شاخصه‌های رویکرد فرآیندی است. بر گرفته شده از لینک زیر:

https://www.kpms.ru/EN_general_info/EN_process_approach.htm

3. Axial discourse

۲-۳. هفت سؤال مبتنی بر رویکرد تمدنی

هنگامی که در یک پژوهش رویکرد تمدنی اتخاذ می‌گردد؛ باید به هفت سؤال پاسخ واضح و مستدل داده شود تا بتوان آن را یک تحلیل تمدنی جامع در نظر گرفت. این هفت سؤال هفت که مبتنی بر رویکرد تمدنی است به شرح زیر می‌باشد:

- ۱) چستی: ماهیت و مختصات تمدن‌ها (از جمله تمدن نوین اسلامی) چیست؟
- ۲) چرایی: علت نیاز به تمدن چیست؟ هدف تأسیس تمدن نوین اسلامی چیست؟
- ۳) چگونگی: روش شناسی ناظر به تمدن شناسی چیست؟ راهکارهایی تحقق یک تمدن چیست؟
- ۴) چه کسی: آیا نژاد و قوم خاصی از قابلیت بیشتری برای تمدن‌سازی برخوردار هستند؟ آیا حکومت‌ها می‌توانند به نحو آمرانه اقدام به تمدن‌سازی نمایند؟ آیا تنها نخبگان تمدن‌ساز هستند؟
- ۵) چه زمانی: آیا تمدن‌ها نقطه آغاز و پایان دارند؟ فرآیند تحول آن چگونه است؟ مدت زمان ظهور و سقوط تمدن‌ها چقدر است؟
- ۶) چه مکانی: در چه شرایط جغرافیایی و با چه میزان منابع طبیعی امکان تحقق تمدن وجود دارد؟
- ۷) چه عقیده‌ای: کدام دین و یا مذهب و یا کدام یک از مکاتب فکری بشری قابلیت تمدن‌سازی دارند؟

۴. روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی انتقادی^۱ و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. از منظر روش شناسی در صورتی که علم و اطلاعات از طریق فرآیند نقد و ارزیابی اصلاح نشود، بیم آن وجود دارد که در پاره‌های اطلاعاتی دیگری نفوذ کند و دامنه اطلاعات نادرست گسترش یابد. (درودی، ۱۳۹۱: ۳۲) به طور کلی می‌توان برای نقد علمی مؤلفه‌های زیر را در

۱. نقد، فرآیند اصلاح دانش است. خدشه دارشدن صحت، اعتبار، کاربرد، تأثیر، ارزش و اثربخشی دانش، ممکن است سبب خسارت و زیان‌های فراوانی در زندگی بشر شود. از همین رو، تلاش وسیعی در محیط‌های علمی برای سنجش و پیرایش آثار و متون علمی صورت می‌گیرد.

نظر گرفت:

۱. نظام مندی: به معنای نقد سیستمی که شامل هدف، نظم، مسئله، استدلال، تحلیل و وضوح می شود.
۲. برخورداری از الگو و مدل: به معنای ساختار دانشی - عملیاتی بر اساس روشمندی خاص.
۳. جامع نگری: در برابر تک بُعدی و یک سونگری.
۴. نگاه تحلیلی - تحقیقی: در برابر نگاه های آموزشی و غیرتحلیلی.
۵. ابتدای فلسفی: به معنای دارای عمق نظری و فلسفی.
۶. تخصص مداری: به معنای اختصاص به حوزه خاصی از علوم و گرایش دانشی.
۷. خلاقیت و پویایی: معنای افق گشایی و گشودن مرزهای جدید دانش.
۸. اخلاق مداری: به معنای حفظ آداب اخلاقی نقد، در برابر نقدهای ژورنالیستی و سیاسی و اجتماعی. (حسینی، ۱۳۹۶: ۹۷-۱۱۷) در ادامه سعی شده است بر اساس روش تحلیل انتقادی متن سند الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت در چارچوب رویکرد تمدنی مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

۵. یافته‌های پژوهش

یکی از ایرادات مقدماتی الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت انقطاع مفهومی و عدم ربط ساختاری بین بخش اصول و بخش تدابیر است. به عبارت دیگر اگر مبانی مذکور در این سند اعم از (مبانی: خداشناختی، جهان‌شناختی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی، ارزش‌شناختی و دین‌شناختی) از بخش ابتدایی سند حذف شوند، خلاء و نقصان خاصی متوجه تدابیر نخواهد شد. لذا می‌بایست ارتباط منطقی بین اصول و تدابیر برقرار شده و ریزش مبانی و ارزش‌ها و افق بودن تمدن نوین اسلامی در تدابیر مشاهده شود. در ادامه در ابتدا به کاربرد شاخص‌های رویکرد تمدنی در بازخوانی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پرداخته شده و سپس هفت سؤال رویکرد تمدنی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۵. کاربرد رویکرد تمدنی در بازخوانی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

در این بخش تلاش می‌شود کاربرد شاخص‌های رویکرد تمدنی در جهت بازخوانی و نقد و بررسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مورد بحث قرار گیرد؛

۱-۱-۵. کاربرد شاخص کلان‌نگری

به لحاظ جامعه‌شناختی گستره تحقق تمدن اسلامی به وسعت امت اسلامی است. شکل‌گیری نظام تمدنی در یک جغرافیای وسیع با اقوام و مذاهب مختلف اسلامی و زیست‌مسالمت‌آمیز با سایر ادیان و مذاهب غیر اسلامی شکل می‌گیرد. کشور ایران این تنوع را دارا است اما در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به خوبی نقش اقوام و مذاهب مختلف در پیشرفت تبیین نشده است. همچنین کلان‌نگری از لحاظ مدیریتی باعث می‌شود برنامه‌ریزی‌های خرد و عملیاتی در ذیل راهبرد‌های بلندمدت و کلان‌هدفمند و ساماندهی‌گردد که یکی از اهداف اصلی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است.

۲-۱-۵. کاربرد شاخص جامع‌نگری

جامع‌نگری در بازخوانی الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت موجب می‌شود تا با نگرشی تجمیعی و نقادانه و مقایسه‌ای نواقص الگوهای تقلیل‌گرایانه توسعه غربی، شرقی و پسا توسعه ارزیابی و مشخص شود و همچنین از رویکرد‌های نوین پیشرفت مدنظر نظریه‌پردازان اسلامی نیز در طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در چارچوب هستی‌شناسی و معرفتی‌شناسی اسلام و روش‌شناسی ناظر بر مقتضیات جغرافیای و فرهنگی ایران استفاده گردد.

۳-۱-۵. کاربرد شاخص میان‌رشته‌ای

همانطور که در چارچوب مفهومی ذکر شد یک رشته خاص علمی توانمندی لازم برای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ندارد، خصوصاً که تمدن نوین اسلامی افق آن باشد. اما به نظر می‌رسد در طراحی الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت دیدگاه‌های متخصصان حوزه اقتصاد و رویکرد مهندسی سایه‌افکننده و غالب است. رویکرد تمدنی طراحان الگورا متوجه این نکته می‌کند که دستیابی به اهداف سند و تحقق تمدن نوین اسلامی در گرو توجه به تمامی

نظریات متخصصان در حوزه‌های مختلف علوم انسانی، اجتماعی، علوم صنعتی و تجربی است. برای نمونه این مورد قابل ذکر است که طبقه‌بندی‌هایی که در رابطه با علوم متعدد در تمدن اسلامی صورت گرفته از یک به هم پیوستگی و نظم منطقی برخوردار بوده و تمامی علوم ذیل حکمت (حکمت نظری و عملی) با یکدیگر مرتبط بوده و جایگاه هر یک و نسبت آن‌ها مشخص است.

۴-۱-۵. کاربرد شاخص تکامل گرایی

همانطور که در ملاحظات نظری ذکر شد؛ رویکرد تمدنی بر یک روند تکاملی از گذشته به حال و آینده تأکید می‌ورزد و به احیاء و ایجاد تمدن اسلامی همزمان توجه می‌کند. برای نمونه میراث بزرگ طب اسلامی ایرانی که از عصر طلایی تمدن اسلامی برای ما به یادگار مانده است، می‌تواند یک ذخیره ارزشمند در طب گیاهی و طبیعی باشد که هنوز مورد استفاده قرار می‌گیرد و قطعاً احیای آن برای زیست تمدن نوین اسلامی مفید و کاربردی خواهد بود. اما در راستای ساماندهی طب اسلامی، طب ایرانی و طب گیاهی هیچ‌الگوی میان مدت و بلند مدتی در الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت ارائه نشده است.

۵-۱-۵. کاربرد شاخص فراملی

تمدن اسلامی تمدنی فراقومیتی و فراملیتی بود که عرب و عجم (نسطوری‌ها، سریانی‌ها، سیستانی، مازندرانی، خوارزمی، قبطی‌ها، ترک و...) در شکل‌گیری آن و به نحوه متکثر در جای جای جغرافیای جهان اسلام شریک بودند. لذا تمدن اسلامی مانند هر تمدن دیگر در خلاء وجود نیامده است. در عصر حاضر نیز تحقق تمدن نوین اسلامی که افق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در نظر گرفته شده، منوط به مشارکت همه اقوام ایرانی است.

در بخش افق الگو چنین آمده است: «قدرت کامل برای دفاع بازدارنده از عزت، حاکمیت ملی و استقلال، امنیت همه‌جانبه و تمامیت ارضی خویش را حفظ کرده» به نظر می‌رسد؛ تحقق امنیت همه‌جانبه مستلزم راهبردهای آفندی و پدافندی توأمان با هم است در نظر گرفته شود. این در حالی است که در بند ۵۳ تدابیر چنین آمده است: «از بخش تدابیر، درباره «پیشگیری از شکل‌گیری تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران، گسترش بسیج مردمی و تقویت بنیه دفاعی

بازدارنده» امنیت در این تدبیر بیشتر جنبه تدافعی، بازدارنده و پدافندی به نظر می‌رسد که با بند مذکور در افق هماهنگ نیست. لذا بند ۵۵ تحت عنوان «ترویج عقلانیت و روحیه جهادی در جهان اسلام و حمایت از حرکت‌های اسلامی و نهضت‌های آزادی‌بخش و استیفای حقوق مردم فلسطین» که بروی جهاد و استیفای حقوق فلسطین تأکید شده است با تأمین امنیت همه جانبه در سطح ملی و بین‌المللی بیشتر هماهنگ است. این نکته حائز اهمیت است که امور امنیتی راهبردی بوده و دارای اولویت بسیار بالا است و اکثر کشورهای پیشرفته و دارای قدرت نظامی برتر دارای سند امنیت ملی هستند. اما در رویکرد تمدنی می‌بایست امنیت تمدنی را مد نظر قرار گیرد. به عبارت دیگر، بر اساس اینکه تمدن نوین اسلامی (ان شاء الله) تمدنی بین‌المللی در جهان اسلام خواهد بود، طراز امنیت نیز باید فراملیتی شده و امنیت تمدنی مورد توجه قرار گیرد. در همین راستا جبهه مقاومت اسلامی در منطقه غرب آسیا را می‌توان نمونه بازاری از امنیت تمدنی دانست که باید تقویت گردد.

۶-۱-۵. شاخص تعامل مؤثر^۱

در بخش چارچوب مفهومی ذکر شد که تساهل در راستای تعامل مؤثر و در عین حفظ جوهره اصلی هر تمدن انجام می‌پذیرد. بر همین اساس، باید فرصت‌ها و تهدیداتی که جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تمدن غرب و نظام سلطه با آن روبرو خواهد شد، تبیین شده و تدابیر متناظر با آن تدوین شود. تمدن اسلامی تعامل مطلق ندارد. بلکه در برخی موارد تقابل نیز دارد. تمدن اسلامی در بین قرون اول تا چهارم یک تمدن پویا و فعال بوده است که علم، حکمت و فناوری را از تمامی تمدن‌های هم‌عصر خویش مانند تمدن یونانی، ایرانی، هندی و... دریافت کرده، اما با جوهره اسلامی خود آن را اصلاح و تکمیل نموده، ارتقاء داده است. لذا تعامل مبتنی بر رویکرد تمدنی تعامل سازنده و مؤثر است. در سند چشم‌انداز بیست ساله کشور چنین آمده است: «ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل». تساهل پیش‌نیاز تعامل است. تعامل فراتر از تساهل است و به

1. interactivity

معنای توانمندی ارتباط با سایر ملل متمدن در راستای هم‌افزایی فکری و تمدن‌سازی در عین حفظ جوهره تمدنی است. عدم غفلت از اشتراک پیشرفت اسلامی با توسعه‌ی غربی، فارغ از نقاط افتراق پیشرفت با منطق اسلامی و توسعه‌ی غربی همچون روح خطرپذیری، روح ابتکار، اقدام و انضباط و الزام در بکارگیری آنها و بهره‌گیری از آنها به عنوان تجربیات بشری در توانمند سازی الگوهای بومی مورد تأکید می‌باشد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۲/۲۷)

در همین راستا رهدار معتقد است: «از ویژگی‌های دیگر جامعه تمدنی دینی تعامل تمدنی متصرفانه است. مهم‌ترین مسأله در این جا تعامل و مواجهه با تمدن‌های غیر دینی است. در تمدن دینی، نحوه تعامل، تعامل متصرفانه است. در این نحوه تعامل می‌توان از مشکلات یا مزایای تمدن دیگر، مثلاً تمدن غربی بینش‌هایی کسب کرد که البته با تقلید متفاوت و متمایز است. پس از کسب این بینش‌ها و الهام از آن‌ها، «در گام دوم باید استخدام معطوف به تصرف داشته باشیم. در گام سوم باید عناصر تمدن دینی را به شکل ایجابی ایجاد کنیم. آخرین گام در تعامل تمدنی متصرفانه، فتح است. این فتح لزوماً نظامی نیست و می‌تواند در قامت همین تغییر موازنه قدرت به نفع دین در سطح جهانی باشد.» (رهدار، ۱۳۹۶/۵/۲۷)

در بند ۵۴ تدابیر چنین آمده است: «تقریب مذاهب اسلامی و تحکیم اتحاد و انسجام مسلمانان از طریق تأکید بر مشترکات دینی و پرهیز از اهانت به مقدسات مذاهب اسلام.» رویکرد تمدنی مبتنی بر اصول اسلامی علاوه بر همزیستی مسالمت آمیز همه مذاهب اسلامی بر حسن معاشرت با پیروان همه ادیان توحیدی در کنار مسلمانان تأکید دارد.

۷-۱-۵. شاخص فرآیند محوری

همانطور که در چارچوب مفهومی بیان شد، در رویکرد فرآیندی هر بخش یک سازمان برای فعالیت مؤثر به خدمات و محصولات سایر بخش‌ها نیاز دارد و به جای تعالی افراد، تأکید بر تعالی فرآیندها و تعامل بین‌بخشی است. تا منجر به فرآورده نهایی شود. در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید الگوی سازمانی و تعاملات بین بخشی که منجر به تحقق اهداف الگو می‌شود، مشخص شود. به تعبیر دیگر علاوه بر محتوا که شامل اصول و تدابیر است باید فرآیند ساختاری و سازمانی نیز طراحی گردد.

۸-۱-۵. شاخص گفتمان محوری^۱

در چارچوب مفهومی ذکر شد که در رویکرد تمدنی علاوه بر تبیین نظری الگوی پیشرفت به اقتناع سازی هم در بین عموم مردم و هم در سطح نخبگانی به وسیله گفتمان سازی تأکید می شود.

از منظر مقام معظم رهبری، گفتمان یعنی باور عمومی؛ یعنی آن چیزی که به صورت يك سخن مورد قبول عموم تلقی بشود، مردم به آن توجه داشته باشند؛ این با گفتن حاصل می شود؛ با تبیین لازم تبیین منطقی، تبیین عالمانه و دور از زیاده روی های گوناگون حاصل میشود؛ با زبان صحیح، با زبان علمی و منطقی و با زبان خوش، بایستی مطالب را منتقل کرد (مقام معظم رهبری، ۹۲/۱۲/۱۵). بر همین اساس ایشان اذعان داشتند که «لازمه ی تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و رسوخ آن در میان نخبگان، گفتمان سازی آن، در جامعه است. گفتمان سازی شرط اصلی تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است» (مقام معظم رهبری، ۹۱/۱۲/۲۴)

فرآیند گفتمان سازی پیرامون یک مسئله راهبردی از سوی رهبران یک جامعه به عنوان یک مسئله اولویت دار و سیاست کلان اعلانی مطرح شده و در ادامه با هم افزایی علمی نخبگان، دانش راهبردی آن تولید و با تجزیه و تحلیل ابعاد مختلف آن در راستای نیاز سنجی و مسئله شناسی جامعه توسط متخصصین و تکنسین ها برنامه های عملیاتی در خصوص گفتمان مطرح شده، تولید شده و در نهایت ضرورت و اهمیت آن برای مردم تبیین شده و با شیوه های آموزشی و فرهنگی به تدریج در بین مردم ترویج و نهادینه خواهد شد. بر همین اساس، اگر گفتمان سازی دقیق و عمیق در جامعه شکل نگیرد و در نهایت با عدم همراهی نخبگان و مردم مواجهه شویم، احتمال شکست اهداف الگو زیاد خواهد شد. رویکرد تمدنی بر گفتمان سازی و فرهنگ سازی در یک فرآیند نرم افزاری به دنبال زمینه سازی برای تمدن سازی نوین اسلامی است.

۲-۵. کاربرد هفت سؤال مبتنی بر رویکرد تمدنی در بازخوانی الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت
با توجه به اینکه افق الگو تمدن نوین اسلامی در نظر گرفته شده است، متن نهایی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید در قبال هفت سؤال مبتنی بر رویکرد تمدنی که در بخش چارچوب مفهومی

توضیح داده شد، پاسخ‌های مستدل و واضحی را ارائه نماید که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱) ماهیت، مختصات و تعریف تمدن (تمدن نوین اسلامی) چیست؟

طراحان الگو در پاسخ به این سؤال باید تشریح کنند که مبانی و شاخصه‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چیست و چه نسبتی با تمدن نوین اسلامی دارد؟

از سو دیگر در خط اول سند الگو پایه اسلامی ایرانی پیشرفت این گزاره آمده است: «الگوی پایه، چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و معرف سیر کلی تحولات مطلوب ایران در عرصه فکر، علم، معنویت و زندگی بسوی تمدن نوین اسلامی ایرانی در نیم قرن آینده است» بررسی سند نشان می‌دهد که ارتباط کل بخش‌های مختلف سند خصوصاً بخش تدابیر با گزاره مهم و راهبردی فوق تحت عنوان «زندگی بسوی تمدن نوین اسلامی ایرانی در نیم قرن آینده» قطع است. به عبارت دیگر رویکرد تمدنی حاکم بر طراحی و تدوین الگو نبوده است. بر همین اساس در درجه نخست باید تعریف مشخصی از تمدن نوین اسلامی در بخش افق ذکر گردیده و اهمیت آن تبیین شده و تأثیر آن بر تدابیر دیده شود. در بند نهم از بخش تدابیر چنین آمده است: «تبیین، ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی ایرانی سالم و خانواده‌محور با تسهیل ازدواج و تحکیم خانواده و ارتقای فرهنگ سلامت در همه ابعاد» سؤال اساسی در این رابطه این سؤال مطرح است که سبک زندگی اسلامی ایرانی چیست؟ مختصات یک خانواده تمدن ساز چیست؟

۲) علت نیاز به تمدن چیست؟ اهداف تأسیس تمدن چیست؟

در متن الگو می‌بایست به وضوح علت نیاز به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و اهداف آن تبیین گردد، چرا که یک سند بالادستی است. آیا این الگو زمینه ساز تحقق تمدن نوین اسلامی خواهد بود؟ چرا طراحی یک الگوی پیشرفت با رویکرد توسعه غربی یا شرقی با پیشرفت مبتنی بر رویکرد تمدنی و بر اساس اسلام و زیست بوم ایران متفاوت خواهد بود؟ چرا مدل‌های توسعه غربی به عنوان یک الگو برای پیشرفت جمهوری اسلامی ایران مد نظر قرار نگرفته است؟ پاسخ‌دهی به این سؤالات علاوه بر ابهام‌زدایی نسبت به مفاهیم و واضح الگو موجب مشروعیت بخشی

به الگو نیز خواهد شد. در همین زمینه مقام معظم رهبری فرموده اند: «غربی‌ها، کشورهای جهان را تقسیم کردند به توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته. در حقیقت وقتی می‌گویند کشور توسعه‌یافته، یعنی کشور غربی! با همه خصوصیاتش: فرهنگش، آدابش، رفتارش و جهت‌گیری سیاسی‌اش؛ این توسعه‌یافته است. در حال توسعه یعنی کشوری که در حال غربی شدن است؛ توسعه‌نیافته یعنی کشوری که غربی نشده و در حال غربی شدن هم نیست. این جوری می‌خواهند معنا کنند. در واقع در فرهنگ امروز غربی، تشویق کشورها به توسعه، تشویق کشورها به غربی شدن است. پیشرفت برای همه‌ی کشورها و همه‌ی جوامع عالم، یک الگوی واحد ندارد. پیشرفت یک معنای مطلق ندارد؛ شرائط گوناگون - شرائط تاریخی، شرائط جغرافیائی، شرائط جغرافیای سیاسی، شرائط طبیعی، شرائط انسانی و شرائط زمانی و مکانی - در ایجاد مدل‌های پیشرفت، اثر می‌گذارد. ممکن است یک مدل پیشرفت برای فلان کشور یک مدل مطلوب باشد؛ عیناً همان مدل برای یک کشور دیگر نامطلوب باشد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۲/۲۷).

۳) آیا نژاد و قوم خاصی از قابلیت بیشتری برای تمدن‌سازی برخوردار هستند؟ آیا حکومت‌ها می‌توانند اقدام به تمدن‌سازی نمایند و یا تنها نخبگان تمدن‌ساز هستند؟

کدام یک از طبقات مختلف جامعه (مانند: معلمین، اساتید، مهندسان، پزشکان) و سازمان‌های دولتی و حاکمیتی بیشتر دخیل در تحقق اهداف سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هستند؟

در بندهای چهاردهم و پانزدهم تدابیر چنین آمده است: «کوشش و تعامل فکری بلندمدت و پایدار نخبگان و مؤسسات علمی برجسته کشور در عرصه بین‌المللی - حمایت فزاینده و مطالبه متناسب از برجسته‌ترین مؤسسات و شخصیت‌های علمی کشور برای تولید علم در راستای رفع نیازها و حل مسائل اساسی جامعه» این نکته حائز اهمیت است که حمایت از برجسته‌ترین مؤسسات و شخصیت‌های علمی و نخبگان کشور تنها بخشی از مشکلات موجود را حل خواهد نمود و این بخشی‌نگری و نخبه‌گرایی در نهایت اگر با تکامل و اتکا به بدنه عامه مردم همراه نشود، محکوم به شکست خواهد بود. عموم جامعه باید از نظر خلاقیت‌های علمی و ابتکارات فناورانه رشد کرده و از طریق استعدادیابی استانی و ملی زمینه تحول جامعه فراهم شود.

سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت یک سند صرفاً سیاسی و یا اقتصادی و فرهنگی نیست،

بلکه یک سند جامع و فرازمانی است که نسبت به تحقق آن همه آحاد جامعه وظیفه دارند. لذا می‌بایست به صورت کلان و راهبردی وظیفه مردم، گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی و مدیریتی در این زمینه مشخص شود تا بتوان دستگاه‌های حکومتی و حاکمیتی را در دوره‌های مختلف زمانی مورد پرسش قرار داد و میزان انجام وظایف آن‌ها را نسبت به تحقق اهداف سند سنجید. پیروزمند در این رابطه معتقد است: «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نسبت به همه اسناد دیگر، سندی بالادستی است و همه اقدامات، تصمیم‌گیری‌ها، قانون‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها باید در چارچوب آن صورت گیرد. آیا مقامات عالی نظام با نگاه کردن به این الگو، می‌توانند دریابند که کدام بخش از مسیر را اشتباه رفته‌اند؟ می‌توانند دریابند که چه باید بکنند یا کدام کار را نباید انجام دهند؟ آیا این الگو محک و معیاری برای ارزیابی عملکرد دولت‌ها، افراد، نهادها و... در اختیار ما قرار می‌دهد؟ آیا با استفاده از این الگو می‌توانیم کاستی‌ها و ضعف‌های سایر اسناد، همچون نقشه جامع علمی کشور، سند تحول آموزش و پرورش، نقشه مهندسی فرهنگی کشور، سند توسعه سلامت، و مواردی از این دست را دریابیم؟ آیا این الگو قادر است به ما بگوید اسناد پایین‌دستی که قبلاً تنظیم کرده‌ایم، با یکدیگر انسجام کافی دارند یا ندارند؟ آیا می‌توانیم فرایندهای قانون‌گذاری بعد از انقلاب را بر اساس این الگو ارزیابی کنیم؟ اگر گذشته را بتوانیم ارزیابی کنیم، قطعاً آینده را نیز می‌توانیم بر این اساس هدایت نماییم و این محک خوبی برای الگو خواهد بود؛ اما اگر این الگو در موارد یادشده، افزوده جدیدی نداشته باشد، می‌توان دریافت که این الگو قادر به ایفای نقشش به‌عنوان بالاترین سند نظام، نیست.» (پیروزمند، ۱۳۹۸/۱/۲۵)

در بخش رسالت سند چنین آمده است: «رسالت ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران حرکت عقلانی، مؤمنانه و متعهدانه در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی متناسب با آرمان‌ها در زیست‌بوم ایران است.» در این سند نه تعریف مشخص تمدن نوین اسلامی ذکر شده است و نه خصوصیات یک شهروند متمدن تبیین شده است که این نقص باید در بازنویسی الگو برطرف شود.

در بند سی‌ام بخش تدابیر چنین آمده است: «بسترسازی برای استقرار متعادل جمعیت و توازن منطقه‌ای در پهنه سرزمین بر مبنای آمایش ملی و تخصیص امکانات و تسهیل و تشویق سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی و فرهنگی مناطق مختلف و توانمندسازی مناطق محروم با توجه به استعدادهای سرزمینی.» در قبال اصلاح این بند این سؤال مطرح می‌شود که چرا در

این سند به طور مشخص چالش‌های پیر شدن نسل و راه‌های مواجهه با آن مطرح نشده است؟ این حقیقتی انکار ناپذیر است که در چهل سال آینده جمعیت ایران به سمت پیری نیل پیدا خواهد کرد. الگو باید برای مدیریت نسل‌های گذشته، حال و آینده برنامه کلی ارائه دهد.

۴) کدام دین و یا مذهب و یا کدام یک از مکاتب و قوانین بشری قابلیت تمدن‌سازی دارند؟ در این بخش می‌بایست مختصات عقیدتی و معرفتی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بر اساس رویکرد تمدنی تشریح گردد. حجت الاسلام پیروزمند از متخصصین علوم اسلامی معتقد است: «پیش از تدوین و نگارش الگوی پیشرفت، نیاز به نظریه اسلامی پیشرفت داریم. در یک نظریه پیشرفت، نقش دین و مردم در پیشرفت، ابعاد پیشرفت و نسبت این ابعاد با یکدیگر، همگی تبیین، و پیشران یا پیشران‌های پیشرفت مشخص شده است. همچنین به مسائلی همچون نسبت ایران با دنیا و چگونگی تعاملات آن با تمدن غرب پاسخ داده شده است. از دل نظریه پیشرفت، الگوی پیشرفت خارج خواهد شد.» (پیروزمند، ۱۳۹۸/۱/۲۵). حجت الاسلام والمسلمین میرمعزی معتقد است: «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت یک سند تمدنی است و الگوی عملیاتی راهبردی و توسعه‌ای تلقی نمی‌شود. وی اضافه کرد، به عبارت دیگر باید این سند را با سند تمدنی کل غرب مقایسه کنید نه با یک نوع خاصی از الگوی توسعه‌ای از مشرب فکری در غرب، ویژگی این سند باید این باشد که موجب تمایز تمدن اسلامی با تمدن غربی در مسیر پیشرفت شود. اسناد برنامه‌ای کشور تازه ذیل این سند باید تدوین شود تا به کف زمین و اقدام برسد به همین جهت در سند بالادستی نمی‌توان به جزئیات پرداخت بلکه به اسناد برنامه‌ای بعدی پرداخته می‌شود و تنها باید ظرفیت تدوین اسناد بعدی ذیل خودش را داشته باشد. سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در حقیقت یک سند بالادستی برای همه اسناد برنامه‌ریزی کشور است و نمی‌توان آن را با سندی مثل قانون اساسی که یک سند بالادستی قوانین کشور است، مقایسه کرد.» (میرمعزی، ۱۳۹۹/۱۱/۲۵)

اما به نظر می‌رسد معضل چگونگی طراحی و تدوین سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با طراحی یک نظریه پیشرفت حل نخواهد شد. نظریه‌پردازی در کشور به شدت فردگرایانه است و هنوز گفتمان کار گروهی بر مراکز علمی و نظام آموزشی ما حاکم نشده است. در چنین وضعیتی صحبت از نظریه پیشرفتی که افراد به صورت انفرادی ارائه نمایند و انتظار داشته باشند، سایر

نخبگان مدعی در جامعه، از آن تبعیت کنند امری قریب به محال است. از سوی دیگر، برای هر یک از مختصات جامعه اسلامی می‌بایست؛ یک نظریه پیشرفت طراحی و تصویب شود، مانند: نظریه عدالت اسلامی، نظریه بانکداری اسلامی، نظریه شهر تمدنی و این امر بسیار مشکلی است. از سوی دیگر سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید مبتنی بر احکام اسلامی و قانون اساسی باشد. تجربه تدوین قانون اساسی می‌تواند راهگشای تدوین سند الگو باشد.

قانون اساسی به‌عنوان سند بالادست سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در عرض حدود یک سال تدوین و تصویب شده، اما به لحاظ مواضع، طبقه بندی مباحث و مفاهیم به کار گرفته شده دقیق‌تر و منسجم‌تر از الگو طراحی شده است. این امر می‌تواند ناشی از دو پارامتر باشد - ایجاد یک فضای باز گفتگو و آزاد اندیشی پیرامون بند بند مفاد قانون اساسی در بین نخبگان مختلف علمی و سیاسی از طبقات و گروه‌های متفاوت جامعه (که در قالب انتخابات برگزیده شده بودند) که بر وجه مقبولیت و مردمی بودن قانون اساسی تأکید می‌کرد، ۲ - پیش‌نویس قانون اساسی در ابتدا توسط گروهی از حقوقدانان به سرپرستی دکتر حسن حبیبی به نگارش درآمده بود و پس از آن توسط اعضای مختلف مجلس خبرگان قانون اساسی که اغلب از اساتید مختلف حوزه و دانشگاه بوده‌اند و همچنین توسط مجتهدینی که حداقل یک چهارم اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی را تشکیل می‌دادند، بر اساس موازین اسلامی مورد بررسی و تدوین قرار گرفت. این روال بر استحکام و علمی بودن و اسلامی بودن مفاد قانون اساسی افزود.

۵) آیا تمدن‌ها نقطه آغاز و پایان دارند؟ فرآیند تحول آن چگونه است؟ مدت زمان ظهور و سقوط تمدن‌ها چقدر است؟

در چه دوره زمانی اهداف الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تحقق پیدا خواهد کرد؟ در متن سند پیرامون دوره زمانی اهداف الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چنین آمده است: «تا سال ۱۴۴۴ ایران به پشت‌از در تولید علوم انسانی اسلامی و فرهنگ متعالی در سطح بین‌المللی تبدیل شده و در میان پنج کشور پیشرفته جهان در تولید اندیشه، علم و فناوری جای گرفته و از اقتصادی دانش‌بنیان، خوداتکا و مبتنی بر عقلانیت و معنویت اسلامی برخوردار و دارای یکی از ده اقتصاد بزرگ دنیا است... در سال ۱۴۴۴ ایران از نظر سطح کلی پیشرفت و عدالت، در شمار چهار کشور برتر آسیا و هفت کشور برتر دنیا شناخته می‌شود و دارای ویژگی‌های برجسته جامعه

اسلامی و خاستگاه تمدن نوین اسلامی ایرانی است.» در اینجا مشخص نیست بر اساس چه مبنایی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۴۴ در شمار چهار کشور برتر آسیا و هفت کشور برتر دنیا شناخته می‌شود و بر مبنای کدام تعریف از پیشرفت، در میان پنج کشور پیشرفته جهان و دارای یکی از ده اقتصاد بزرگ دنیا است؟ با تحلیل مفهومی و محتوایی سند مشخص می‌شود که علاوه بر تناقض در رتبه‌بندی و چگونگی رتبه‌بندی کشور در جهت پیشرفت، متن الگو دچار تناقض مفهومی هم شده است؛ چرا که اگر مبنای پیشرفت ما متفاوت است اساساً، نیازی به این نیست که در الگو ذکر شود که ما در این زمان دارای این رتبه در بین کشورهای پیشرفته جهان به سبک و مدل شرقی یا غربی خواهیم بود.

از سوی دیگر ترسیم یک افق پنجاه ساله برای پیشرفت عدم توجه به اختیار و عقلانیت و نادیده گرفتن خلاقیت و نوآوری افراد در جامعه دینی است، چرا که بین ده تا بیست سال یک نسل جدید ظهور می‌کند و اقتضانات خاص خود را به همراه خواهد داشت. اگر سندی برای ۵۰ سال آینده کشور تدوین شود، باید مبتنی بر مطالعات روندپژوهی و آینده پژوهی باشد. به عبارت دیگر، سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید علاوه بر تحلیل وضعیت فعلی ایران، روند و مسیر حرکت آینده جامعه را نیز ترسیم نماید. سیر تحولات اجتماعی در سطح ملی و بین‌المللی ممکن است کارآمدی الگوی امروز را نسبت به نیازهای یک دهه آینده زیر سؤال ببرد. چرا که شرایط و اقتضانات تغییر خواهد کرد، لذا باید تمهیدات لازم برای امکان بازنگری متن الگو مد نظر قرار گیرد.

۶) در چه شرایط جغرافیایی و با چه میزان منابع طبیعی امکان تحقق تمدن وجود دارد؟ در چه شرایط جغرافیایی و زیست محیطی و با چه میزان منابع طبیعی امکان تحقق اهداف الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت وجود دارد؟ در بخش رسالت چنین آمده است: «رسالت ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران حرکت عقلانی، مؤمنانه و متعهدانه در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی، متناسب با آرمان‌ها در زیست‌بوم ایران است.» در این بخش چندین پرسش به شرح زیر ناظر بر الگو مطرح است: زیست‌بوم ایران دارای چه تعریفی است؟ اقتضانات جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی چه نسبتی با سند الگو پیدا خواهد کرد؟

ایران دارای مناطق مختلف آب و هوایی و دارای منابع مختلف طبیعی است. تراکم جمعیتی

در این مناطق مختلف نیز متفاوت بوده و دارای نیازهای متفاوت هستند. مقام معظم رهبری اذعان داشته اند که: «جستجوی الگوی بومی پیشرفت باید منطبق بر خصوصیات جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی کشور و متناسب با اقتصاد، فرهنگ، امنیت، معنویت و اخلاق با محاسبه امکانات، توانایی های کشور باشد.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۰۵/۱۵) بر همین اساس باید به آمایش سرزمینی و مسائل زیست محیطی به عنوان یک راهبرد جغرافیایی مهم در سند الگو به صورت مبسوط پرداخته شود. همچنین شاخصه های محیط زیست در طراز تمدن نوین اسلامی برای یک شهروند مسلمان ایرانی باید مورد تبیین قرار گیرد.

در بخش افق الگو چنین آمده است: «تا سال ۱۴۴۴، سلامت محیط زیست و پایداری منابع طبیعی، آب، انرژی و امنیت غذایی با حداقل نابرابری فضایی در کشور فراهم شده است.» همچنین در بند ۲۸ بخش تدابیر چنین آمده است: «حفظ حقوق مالکیت عمومی بر منابع طبیعی و ثروت های ملی همراه با رعایت ملاحظات صیانتی، زیست محیطی و بین نسلی در بهره برداری از آن ها» در سند الگوی پایه پیشرفت اسلامی ایرانی راهبردهای تحقق یک محیط زیست سالم و راهبردهای مقابله با تخریب محیط زیست در سطح فردی محلی و ملی برای یک جامعه متمدن طراحی و تدوین نشده است. سؤال راهبردی در این رابطه این است که شاخص های زیست محیطی که در طراز تمدن نوین اسلامی باشد چیست؟

همچنین این نکته حائز اهمیت است که تمدن ها در بستر شهرها عینیت یافته و شکل می گیرند و در فرآیند شهرنشینی گسترش می یابند. بر همین اساس پیشرفت تمدنی متناظر با شهرنشینی است. لذا برای نیل به تمدن نوین اسلامی به عنوان افق الگوی اسلامی ایرانی می بایست تعریف شهر اسلامی و مختصات شهرنشینی تمدنی به صورت واضح مشخص شود.

۷) منطق روش شناختی حاکم بر تمدن سازی چیست؟ راهبردها و چگونگی تحقق تمدن چیست؟

در متن الگو می بایست به صورت واضح و طبقه بندی شده راهبردها، خط مشی ها و تدابیر کلی ناظر بر اجرایی شدن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تبیین گردد. این نکته حائز اهمیت است که مرحله اجرای راهبردها و پیاده سازی آن به مراتب دشوارتر از طراحی و تدوین راهبردها است، زیرا باید ایده ها و جهت گیری های راهبردی عملیاتی شود.

تعبیر «سبک زندگی» دو بار در سند تکرار شده است؛ در بخش افق‌ها چنین آمده است: «در سال ۱۴۴۴ هجری شمسی مردم ایران دین‌دار، عموماً پیرو قرآن کریم، سنت پیامبر و اهل بیت [هستند]، و از سبک زندگی و خانواده اسلامی ایرانی برخوردار هستند.» همچنین در بخش تدابیر نیز چنین آمده است: «... تبیین، ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی ایرانی سالم و خانواده‌محور» اینکه سبک زندگی اسلامی ایرانی چیست و چه نسبتی با زیست تمدنی دارد و چگونه می‌توان یک چنین سبکی را برای تحقق تمدن نوین اسلامی در جامعه عملیاتی کرد، از جمله موارد مهم است که می‌بایست با دقت و عمق بیشتری در سند الگو به آن پرداخته شود. در بند بیست و سوم از تدابیر چنین آمده است: «تحقق عدالت در ساختار قانونی نظام بانکی با ایجاد انضباط پولی، رهایی از ربای قرضی، توزیع عادلانه خلاق پول بانکی و بهره‌مندسازی عادلانه آحاد مردم جامعه از خدمات پولی»، ایجاد «قرض الحسنه‌های اسلامی محلی و بومی» و حمایت آن‌ها از سوی بانک مرکزی به جای مؤسسات مالی و بانکی که دلالی، خرید و فروش ارز، سکه و زمین از جمله فعالیت‌های تورم‌زای آن‌ها بوده است، از جمله راهبردهای مهم اقتصاد اسلامی است که در این الگو هیچ اشاره‌ای به آن نشده است.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

- رویکرد تمدنی داری یک چشم انداز کلان نگر و جامع نگر است. کلان‌نگری رویکرد تمدنی به معنای طراحی راهبردهای ملی و منطقه‌ای و جهانی بوده و بر راهبردهای بلند مدت تأکید دارد.
- علی‌رغم اینکه افق الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، تمدن نوین اسلامی در نظر گرفته شده است؛ اما تدابیر مطرح شده در آن مبتنی بر رویکرد تمدنی تنظیم نشده است. لذا در صورت اصلاح و بازنویسی الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت بر اساس رویکرد تمدنی، این الگو می‌تواند یک نقشه راه و یک سند بالا دستی تمدنی برای حرکت به سمت به تمدن نوین اسلامی باشد.
- بخش تدابیر دارای هیچ گونه تقسیم‌بندی منسجم و منطقی نیست و بدون طبقه‌بندی موضوعی و بدون هیچ اولویت‌بندی تدوین شده است. به نظر می‌رسد؛ تدابیر الگو باید در قالب شاخص‌های: «نظام فرهنگی و اجتماعی، نظام اقتصادی و صنعتی، نظام سیاسی (سیاست

داخلی و بین المللی)، نظام زیستی و کشاورزی، نظام علمی و آموزشی، نظام امنیتی و نظامی، نظام تربیتی و خانواده، نظام پزشکی و سلامت، نظام سایبری و فضای مجازی» در ذیل مبانی و در چهارچوب‌های دین مبین اسلام (مبتنی بر معارف قرآن و اهل البیت) طراحی و طبقه بندی گردد.

- یکی از خلاءهای ساختارهای مدیریتی این است که مدیران و تصمیم گیران بالادستی به اندازه‌ای که به تدوین راهبردها تأکید و توجه می کنند، به چگونگی اجرای آن توجه کافی نمی کنند. معمولاً پس از تدوین راهبردها یک خلاء بین راهبردها و برنامه‌های عملیاتی به وجود می آید. اسناد پشتیبان الگو از عدم مدل اجرایی که بتواند خلاء بین تدوین راهبردها و برنامه‌های عملیاتی را پر کند، رنج می برد که باید اصلاح و تکمیل گردد.

مبتنی بر رویکرد تمدنی هفت مسئله زیر پیرامون الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، مورد

بررسی قرار گرفت

ردیف	سؤالات	مسائل ناظر بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مبتنی بر رویکرد تمدنی	تطبیق مسائل با الگوی پایه
۱	چیستی	الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چیست و دارای چه مختصاتی است؟ تمدن نوین اسلامی به عنوان افق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چیست و چه تأثیری بر طراحی و تدوین الگو داد؟	نسبتاً خوب تبیین شده است. اما بخش‌های افق و رسالت نیازمند اصلاح و بازنویسی است.
۲	چرایی	ضرورت طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چیست؟ علت و هدف الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چیست؟	تبیین شده است، اما در جامعه گفت‌وگو سازی نشده است.
۳	چگونگی	روش‌شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و راهبرد های تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان زمینه ساز تمدن نوین اسلامی چیست؟ تدابیر چگونه توسط دستگاه‌های مختلف اجرای تقنینی و حاکمیتی محقق خواهد شد؟	ضعیف تبیین شده است. بخش تدابیر نیازمند طبقه بندی موضوعی و اولویت بندی است. مفاهیم مورد استفاده دارای وضوح نیست.
۴	چه کسی	چه افراد، گروه و سازمانی مسئول اجرای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هستند؟	تقسیم بندی مسئولیت ها در سند پایه کم رنگ است.
۵	چه زمانی	زمانبندی تحقق اهداف الگوی پیشرفت چیست و بر چه مبنایی طراحی شده است؟	زمان بندی تحقق اهداف الگو مبتنی بر واقعیات نبوده و باور پذیر نیست.

۶	چه مکانی	الگو در ارتباط با چه شرایط جغرافیایی تدوین شده است؟ علاوه بر ظرفیت های منابع طبیعی چالش های زیست محیطی نیز مد نظر قرار گرفته است. زیست بوم ایدآل مورد نظر این الگو در آینده تمدنی آن چیست؟	جغرافیای ایران متنوع است به آمایش سرزمینی توجه نشده است و چالش های زیست محیطی و همچنین شاخص های زیست بوم در طراز تمدن نوین اسلامی دیده نشده است.
۷	چه عقیده‌ای	کدام دین و یا مکتب فکری و کدام یک از نظریه های پیشرفت مبنا و پشتیبان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می باشد؟	اصول دینی و عقیدتی مشخص است اما چهارچوب نظری الگو مشخص نیست.

در ادامه موضوعات و مفاهیمی که در متن الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت مطرح نشده و یا کم‌رنگ است در راستای اصلاح و تکمیل الگو پیشنهاد می‌گردد؛

- کشورهای پیشرفته و تمدن ساز در آینده کشورهایی هستند که در بخش کشاورزی پیشرفته باشند. ارائه راهبردهای توسعه کشاورزی صنعتی با توجه به ظرفیت های زیست بوم مناطق مختلف ایران و طراحی آمایش محصولات کشاورزی برای جلوگیری از نوسانات قیمت محصولات کشاورزی و ضرر کشاورزان، مبتنی بر دانش نوین (تلاش در جهت افزایش تولیدات ارگانیک و استفاده کنترل شده از بذر و تولیدات تراریخته) در سند الگو هیچ اشاره‌ای به بخش کشاورزی نشده است.
- شاخصه های شهروند متمدن، تقویت و تحکیم نهاد خانواده و ازدواج، شهرداری های تمدن ساز، بهره‌مندی از سرمایه نمادین اجتماعی در فرهنگ سازی،
- شناسنامه الکترونیکی، ابزارسازی و تولید محصولات نرم افزاری مبتنی بر ارزش های اسلامی، راهبردهای افزایش تولید ملی با توجه به استارت آپ ها و شرکت های دانش بنیان، چگونگی ایجاد ارتباطات مجازی مردم جامعه اسلامی در عصر تمدن دیجیتالی،
- حمایت و گسترش رسانه ها و مطبوعات مجازی داخلی، راه اندازی شبکه ملی اطلاعات، چگونگی تعامل دیجیتالی مردم با پلیس، نیروی انتظامی و اطلاعاتی، تقویت فرآیندهای دیجیتالی مراجعات اداری،
- شکل گیری احزاب مجازی و تلاش در جهت برگزاری انتخابات گسترده و فعال و کارآمد،
- توانمندسازی اقشار آسیب پذیر از طریق تشکیل بنگاه های زود بازده در محلات بومی، مناسک و مراسم عبادی، خصوصاً اعیاد و برجسته نمودن میلاد همه ائمه اطهار و تزریق

شادی در جامعه با محوریت معصومین،

- حفظ و حراست از محیط زیست (آب، خاک، هوا، حیوانات، گیاهان، زیست مجازی).
- برای نمونه، تبیین بحران آب و ارائه راهبردهای لازم برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی این بحران در آینده
- گسترش نظام قرض الحسنه اسلامی و کمک به بنگاه‌های محلی زود بازده به جای مؤسسات مالی
- حمایت از سفر و گردشگری و اختصاص یارانه به گردشگری داخلی، حمل و نقل، نظارت، بازرسی، توسعه روابط بین‌الملل با سایر ملل اسلامی در قالب تمدن بین‌الملل اسلام،
- تقویت جایگاه استاندارد ملی و برندسازی کالاهای ملی در منطقه غرب آسیا،
- تشکیل بورس‌های مجازی از انواع کالاهای مهم و اساسی، تقویت بازرسی گمرکات و ورود و خروج کالا از طریق اسکنرهای کانیتیر،
- تقویت روحیه تمدنی در بین اقلیت‌ها دینی، اقوام بومی، ورزش، تفریح، اوقات فراغت و استراحت، حمایت و تقویت بازی‌های رایانه‌ای تولید ملی محتوای اسلامی ایرانی،
- تقویت و ارتقاء زنان خانواده مدار، بیمه تمدن آن‌ها، توجه به کهنسالان و آینده‌نگری نسبت به پدیده پیر شدن نسل در دو دهه آینده،
- تدوین یک راهبرد فرهنگی و تمدن ساز برای مساجد، امام زاده‌ها، اوقاف و خیریه‌ها،
- ساماندهی طب اسلامی (در سند هیچ اشاره‌ای به طب گیاهی و ایرانی اسلامی به عنوان میراث تمدن اسلامی نشده است) و
- توجه فراملیتی به امنیت در سطح امت اسلام و تأکید بر امنیت تمدنی.

منابع

۱. امرائی، حسن (۱۳۸۸). مهندسی سیاست، تهران: شوکا. چاپ اول.
۲. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). گفتمان، پادگفتمان و سیاست، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۳، چاپ اول.
۳. تودارو، مایکل (۱۳۶۶). توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه: غلامعلی فرجادی، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه، جلد اول.
۴. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸). بیانات مقام معظم رهبری در دیدار استادان و دانشجویان کردستان - ۱۳۸۸/۲/۲۷
۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۲). بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام - ۱۳۸۲/۵/۱۵.
۶. حسینی، سید حسین (۱۳۹۶). «تحلیل الگوی مفهوم نقد علمی»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های عقلی نوین، سال دوم، شماره چهارم، پاییز و زمستان، صص ۹۷-۱۱۷.
۷. درودی، فریرز (۱۳۹۱). نقد منابع اطلاعاتی: شناخت مفاهیم، ساختار، ماهیت و معیارهای نقد. تهران: خانه کتاب.
۸. قیصری، ذاکر اصفهانی و جلال زاده (۱۴۰۱). «ناپایداری توسعه در جمهوری اسلامی ایران: اجماع نخبگان، فرآیندهای مشارکتی، تمرکز زدایی»، فصلنامه مطالعات پیشرفت اسلامی ایران، سال دهم شماره یک، بهار، صص ۷-۲۷.
۹. مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (۱۳۹۳)، چیستی و مفهوم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نقشه راه و فرآیند طراحی، تدوین، تصویب و پایش الگو. تهران
۱۰. مختاریان پور، مجید (۱۳۹۵). «مدل فرایندی طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، فصلنامه مطالعات پیشرفت اسلامی ایران، سال چهارم شماره هشتم، پاییز و زمستان، صص ۱۰-۳۰.
۱۱. معرفتی محمدی، عبدالحمید (۱۳۹۶). «نقدی روش شناختی به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و ششم، شماره ۸۵، زمستان، صص ۲۱۸-۱۹۱.
۱۲. معین، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات فرهنگ نما.
۱۳. نجفی علمی، کاظم (۱۳۸۳). تعیین چگونگی اجرای سیاستهای کلی براساس اصول و مبانی سیاستهای فرهنگی کشور، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، کمیسیون فرهنگی.

Unmaking of the Third -World, Princeton: Princeton University Press.

15. Simon, David (2005). **Post development and Post-Colonialism: Separated by Common Ground? Forum for Development Studies**, Volume 32, Issue 2.

منابع اینترنتی:

۱۶. رهدار، احمد، (۱۳۹۶/۵/۲۷)، بایسته‌های رویکرد تمدنی به دین، قابل دسترسی در لینک

زیر:

<http://www.mobahebat.ir/14771>

۱۷. پیروزمند، علیرضا، (۱۳۹۸/۱/۲۵)، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در مسیر اصلاح و

تکمیل، قابل دسترسی در لینک زیر:

www.mehrnews.com/news/4590202

۱۸. میرمعزی، سیدحسین، (۱۳۹۹/۱۱/۲۵) تشریح ساختار سند الگوی اسلامی - ایرانی

پیشرفت، قابل دسترسی در لینک زیر:

<https://www.isna.ir/news99112518673/>

<https://farsi.khamenei.ir>

<http://www.olgou.ir>

<https://www.kpms.ru>

<https://www.mobahebat.ir>